

رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری □

The Relationship between Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence and Resilience □

Somayeh Keshavarzi, M.Sc.

Farideh Yousefi, Ph.D. □

سمیه کشاورزی *

دکتر فریده یوسفی *

Abstract

This study examined the relation of Emotional Intelligence (EQ) and Spiritual Intelligence (SQ) to resilience. Participants were 354 postgraduate students (188 females, 166 males) from Shiraz University. They completed the Hjemdal et al's. Resilience Scale for Adults (2001), the Petrides and Furnham's Emotional Intelligence Questionnaire (2001) and the King's Spiritual Intelligence Scale (2008). In data analysis, multiple regression (enter method) and independent samples t-test were used. Results showed that emotional intelligence in comparison with spiritual intelligence was a stronger predictor of resilience. Moreover, the personal competence, family cohesion, and social resources were predictable from personal meaning production and optimism. There were no significant differences between male and female in mean scores of EQ and resiliency but females get higher scores in SQ than males.

Keywords: resilience, emotional intelligence, spirituality, spiritual intelligence.

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری انجام شد. گروه نمونه شامل ۳۵۴ دانشجوی کارشناسی ارشد (۱۸۸ دختر و ۱۶۶ پسر) دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان همدال و همکاران (۲۰۰۱)، پرسشنامه هوش عاطفی پتریدز و فارنهام (۲۰۰۱) و مقیاس هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) بود. نتایج نشان داد نمرات کلی هوش عاطفی و هوش معنوی به طور مثبت و معنی‌داری نمره کلی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند اما هوش عاطفی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر تاب‌آوری است. علاوه بر این، ابعاد شایستگی فردی، انسجام خانوادگی و ارتباط با دوستان در متغیر تاب‌آوری از طریق معناسازی شخصی (در هوش معنوی) و خوش‌بینی (در هوش عاطفی) قابل پیش‌بینی بودند. در مقایسه دو جنس تنها میانگین نمرات هوش معنوی دختران به نحو معنی‌داری از میانگین نمرات پسران بیشتر بود و در دو متغیر دیگر، تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات مشاهده نگردید.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، هوش عاطفی، معنویت، هوش معنوی

● مقدمه

اوایل قرن حاضر با ظهور مکتب روانشناسی مثبت‌گرا توسط سایگمن و همکارانش همراه بود که اهداف عمده این مکتب، شامل کمک به افراد دارای شخصیت سالم و کمک به شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی بود (لاتنس، آوولیو، اوی و نورمن، ۲۰۰۷). یکی از مسائل مطرح در روانشناسی مثبت، «تاب‌آوری»^۱ است. تاب‌آوری ظرفیت روبرو شدن، غلبه کردن و حتی قوی‌تر شدن به وسیله تجربه مشکلات یا آسیب‌ها است. در فرایند تاب‌آوری دو شرط مهم وجود دارد: ۱. افراد با تهدیدهای مهم یا سختی‌های شدید روبرو می‌شوند، ۲. با وجود سختی‌ها و مشکلات مهم به سازگاری مثبت دست یافته و پیشرفت می‌کنند (لاتر، سیستی و بکر، ۲۰۰۰). راتر (۱۹۹۹) تاب‌آوری را شامل تعامل میان عوامل خطرزا و عوامل محافظتی می‌داند. عوامل خطر به هر شرایط یا رویدادی که به پیامدی ناسازگار منجر شود اطلاق می‌گردد، اما شرایط اجتماعی-اقتصادی پایین، آسیب‌های اجتماعی گسترده یا طلاق والدین معمولاً به عنوان عوامل خطر شناخته شده است. عوامل محافظتی نیز به هر رویداد یا شرایطی که فرد را در مقابل آسیب‌ها ایمن می‌کند، اطلاق می‌شود اما «خصوصیات شخصیتی»^۲، «عوامل خانوادگی»^۳ و «حمایت اجتماعی»^۴ معمولاً به عنوان عوامل محافظتی شناخته می‌شوند (ماستن و رید، ۲۰۰۲). آنها دو رویکرد موثر در تاب‌آوری را مطرح کردند:

۱. رویکرد متمرکز بر متغیر^۵: این رویکرد به بررسی عوامل خطر و عوامل محافظتی فردی، خانوادگی و محیطی می‌پردازد و شامل مدل‌های «جمع‌پذیر»، «تعاملی» و «غیر مستقیم» می‌باشد.

۲- رویکرد متمرکز بر شخص^۶: این رویکرد سعی در شناسایی افراد تاب‌آور و بررسی اینکه چه چیزی منجر به تاب‌آوری بیشتر در آنان می‌شود، دارد. شامل سه مدل می‌باشد: مدل اول به «مطالعات موردی» افراد مرتبط است. این مدل، تاب‌آوری را ویژه افراد خاص می‌داند و بر همین اساس به بررسی خصوصیات این افراد می‌پردازد. که با نقایص و کمبودهای زیادی همراه است. مدل دوم به بررسی افراد و گروه‌های تاب‌آور می‌پردازد. افراد این گروه با وجود این که در معرض شرایط خطر فراوانی قرار دارند؛ اما شایستگی بالایی از خود نشان می‌دهند. مدل سوم به دنبال بررسی و شناسایی

الگوهای عمده رفتاری است که در طول زمان و در بررسی‌های طولی، در افراد تاب‌آور مشاهده شده است.

از دیگر مسائل مطرح در روان‌شناسی مثبت، «هوش عاطفی»^۷ است. هوش عاطفی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساسات، انگیزش و کنترل هیجانات هم در زمینه فردی و هم در روابط اجتماعی اشاره دارد (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۱). به طور کلی دو رویکرد عمده در حوزه هوش عاطفی مطرح است:

۱. رویکرد توانایی (غیر ترکیبی): این رویکرد بر اساس توانایی پردازش اطلاعات عاطفی است و توسط مایر و سالووی (۱۹۹۰) مطرح شده است. (به نقل: یوسفی، ۱۳۸۲).

۲. رویکرد ترکیبی: که تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های توانایی و شخصیتی را ترکیب کرده و یک مفهوم پویا بسازد. رویکرد ترکیبی توسط نظریه پردازانی مانند بار-آن (۲۰۰۰) و گلمن (۱۹۹۵) مطرح شده است. بار-آن (۲۰۰۵) هوش عاطفی را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند. وی برای سنجش هوش عاطفی از مقیاسی که شامل ۵ مؤلفه و ۱۵ عامل است استفاده کرد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های میان‌فردی، مهارت‌های سازگاری، تنیدگی، خلق عمومی. گلمن عناصر هوش عاطفی را به دو طبقه عناصر فردی و عناصر اجتماعی تقسیم می‌کند. عناصر فردی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزی و عناصر اجتماعی شامل همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه هوش عاطفی با تاب‌آوری، حاکی از پیش‌بینی‌کنندگی مثبت تاب‌آوری توسط هوش عاطفی بودند (مک کاسکر، ۲۰۰۹؛ گارگ و واسلووی، ۲۰۰۹؛ سندل، ۲۰۰۷ و جوکار، ۱۳۸۶).

علاوه بر هوش کلی و هوش عاطفی جنبه دیگری از هوش هیولایی وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد و انسانی است که «هوش معنوی»^۸ نام دارد. در تمایز بین معنویت و هوش معنوی باید عنوان نمود که معنویت بیشتر یک مفهوم تجربه‌ای است؛ اما هوش معنوی از سه بخش جدایی ناپذیر «حسی»، «عقلی» و «تأملی» تشکیل شده است (وگان، ۲۰۰۲). همچنین معنویت به جستجو، تجربه، تقدس و روحانیت، جستجوی معنی نهایی، هوشیاری بالاتر و بعد ماورایی وجود می‌پردازد؛ در حالی که هوش معنوی

برای پیش‌بینی عملکرد و سازگاری به‌توانایی‌های به دست آمده از این موضوعات اشاره دارد (ایمونز، ۲۰۰۰). زوهار، فیزیکدان، فیلسوف و نویسنده، به همراه همسرش مارشال، روانپزشک و روان درمانگر، هوش معنوی را با ترکیب مفاهیم روانشناختی، فلسفی و مذهبی در سال ۲۰۰۰ ارائه دادند. از نظر آنها هوش معنوی هوشی است که می‌تواند موقعیت و فعالیت ما را گسترده‌تر و غنی‌تر سازد؛ هوشی که تعیین می‌کند یک فعالیت یا یک مسیر زندگی بیشتر از فعالیت یا مسیر دیگر معنی‌دار است (زوهار و مارشال، ۲۰۰۰). در مورد ترکیب و کاربرد هوش معنوی توافقی بین صاحب نظران این حوزه وجود ندارد. از دیدگاه آمرام و درایر (۲۰۰۷) هوش معنوی سازه معنویت و هوش را به صورت سازه جدیدی ترکیب کرده است. اما ناسل (۲۰۰۴) معتقد است، هوش معنوی یک ترکیب ساده از سازه هوش و معنویت نیست؛ بلکه هوش معنوی از آمیختن توانایی‌ها و علایق معنوی، خصیصه‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب شناختی بدست می‌آید. همچنین ایمونز (۲۰۰۰) و مک هورویک (۲۰۰۲) عنوان نمودند که هوش معنوی می‌تواند برای حل مسائل روزانه استفاده شود؛ در حالی که از دید ولمن (۲۰۰۱) هوش معنوی برای حل نگرانی‌های وجودی و ماورایی بکار می‌رود. ادواردز (۲۰۰۳) نیز بین داشتن هوش معنوی و داشتن دانش درباره هوش معنوی تمایز قائل شد. در دیدگاه وی، استفاده از منابع معنوی و هوش معنوی برای حل مشکلات معنوی و غیر معنوی متفاوت است و عنوان می‌کند که استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل ریاضی یا آمادگی برای یک مسابقه ورزشی که نیازمند استفاده از مهارت‌های ماهیچه‌ای است کمتر مناسب و مفید می‌باشد. یکی از مهمترین عواملی که این دیدگاه از توجه بدان چشم پوش کرده است این است که همه جنبه‌های زندگی برای یک فرد معنوی، حالت معنوی دارند (۲۰۰۱). چهار توانایی برای هوش معنوی در نظر می‌گیرد: ۱. «تفکر وجودی انتقادی»^{۱۱} در مورد موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی یا ماورایی. ۲. «توانایی ایجاد معنای شخصی»^{۱۲} و اهداف شخصی از تجربیات ذهنی و جسمانی و به عبارتی زندگی بر اساس اهداف ایجاد شده. ۳. «آگاهی متعالی»^{۱۳} توانایی شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی در خود، دیگران و جهان مادی. ۴. «گسترش آگاهی»^{۱۴} توانایی ورود به حالت‌های معنوی یا فراتر از هشیاری. پژوهشی در زمینه رابطه مستقیم

تاب‌آوری با هوش معنوی یافت نشد اما در بررسی‌هایی که در زمینه رابطه تاب‌آوری و معنویت صورت گرفت، پژوهش‌ها حاکی از رابطه مثبت معنویت و تاب‌آوری بودند (رابرتسون، ۲۰۰۸؛ کروک، ۲۰۰۸؛ ناکاشیما و کاندو، ۲۰۰۵؛ ولتاین و فینوثر، ۱۹۹۳).

مروری بر تحقیقات نشان می‌دهد که به طور کلی در سالهای اخیر توجه به روانشناسی مثبت و متغیرهایی از قبیل تاب‌آوری به عنوان یکی از سازه‌های مهم و اثرگذار در سلامت روان و سازگاری افزایش یافته است. عوامل مختلفی از قبیل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تاب‌آوری افراد تاثیرگذارند. «هوش عاطفی» و «هوش معنوی» از جمله عوامل فردی و شخصیتی موثر بر «تاب‌آوری» است و از آنجایی که در زمینه ارتباط هوش عاطفی و هوش معنوی با تاب‌آوری پژوهشی یافت نشد، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر همزمان هوش عاطفی و هوش معنوی بر تاب‌آوری می‌پردازد. هدف دیگر پژوهش، مقایسه دو جنس در متغیرهای مورد پژوهش است.

● روش

○ «جامعه آماری» پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز بود که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند؛ بر این اساس گروه نمونه شامل ۳۵۴ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بودند.

جدول ۱. تعداد افراد نمونه به تفکیک جنس و رشته

رشته	جنس	دختر	پسر	کل
علوم انسانی	۹۹	۵۲	۱۵۱	
مهندسی	۴۱	۶۵	۱۰۶	
علوم پایه	۴۸	۴۹	۹۷	
کل	۱۸۸	۱۶۶	۳۵۴	

○ ابزار

□ الف: «مقیاس تاب‌آوری»^{۱۴} مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان توسط هم‌دال و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده است و دارای ۴۳ ماده می‌باشد. این مقیاس شامل پنج بعد با عناوین «شایستگی فردی»، «شایستگی اجتماعی»، «انسجام خانوادگی»، «حمایت اجتماعی» و «ساختار فردی» می‌باشد به هر ماده در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً

موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره داده می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط جوکار و همکاران (۲۰۱۰) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی در پژوهش حاضر از همبستگی ابعاد با نمره کل مقیاس استفاده گردید. علاوه بر این، به منظور تعیین روایی سازه مقیاس از روش تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری بود. مقدار KMO برابر با ۰/۹۳ بود که حاکی از کفایت نمونه‌گیری محتوایی می‌باشد. ضریب آزمون بارتلت نیز برابر با ۸۴۲۹ با سطح معنی‌داری ($p < ۰/۰۰۱$) بود. پنج عامل بدست آمد که به ترتیب ۲۹/۷۰، ۱۰/۷۵، ۶/۹۶، ۴/۷۰، ۳/۳۸ و در مجموع ۵۵/۴۸ درصد واریانس موجود در مقیاس را تبیین می‌کردند.

□ ب: «پرسشنامه هوش عاطفی»^{۱۵}: پرسشنامه هوش عاطفی پترایدز و فارنهام (۲۰۰۱) یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن شامل ۱۴۴ ماده و ۱۵ زیرمقیاس می‌باشد. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۳۰ ماده‌ای استفاده گردید. این مقیاس شامل ۴ بعد با عناوین «درک عواطف»، «مهارت‌های اجتماعی»، «خوش بینی» است که به هر گویه در یک مقیاس هفت درجه‌ای از کاملاً موافقم (۷) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره داده می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط یوسفی (۱۳۸۲) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید.

□ ج: «مقیاس هوش معنوی»^{۱۶}: کینگ (۲۰۰۸) یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن شامل ۸۳ ماده می‌باشد که در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۲۴ ماده‌ای آن استفاده گردید. این مقیاس شامل چهار بعد با عنوانهای «گسترش آگاهی»، «معناسازی شخصی»، «آگاهی متعالی» و «تفکر وجودی» انتقادی می‌باشد که به هر ماده در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره داده می‌شود. نمره کلی مقیاس از مجموع نمره‌های بدست آمده از ماده‌ها حاصل می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط حسین چاری و ذاکری (۱۳۸۹) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید.

داده‌های پژوهش حاضر پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. برای پیش بینی تاب آوری از طریق هوش عاطفی و هوش معنوی از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و برای مقایسه میانگین نمرات دختران و پسران در متغیرهای مورد پژوهش از آزمون Tویژه گروه‌های مستقل استفاده گردید.

● یافته‌ها

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای پژوهش آورده شده است. همچنین به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش، همبستگی آنها با یکدیگر محاسبه شد که نتایج در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
تاب آوری	۱۶۵/۱۶	۲۰/۱۷	۱۰۵	۲۱۵
هوش عاطفی	۱۴۵/۶۴	۲۱	۷۰	۲۰۶
هوش معنوی	۵۱/۷۶	۱۲/۴۰	۱۶	۸۳

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱. شایستگی فردی	۱															
۲. شایستگی اجتماعی	۰/۵۰*	۱														
۳. انسجام خانوادگی	۰/۴۰*	۰/۳۵*	۱													
۴. ارتباط با دوستان	۰/۳۹*	۰/۴۰*	۰/۶۷*	۱												
۵. ساختار فردی	۰/۵۱*	۰/۳۲*	۰/۴۰*	۰/۳۶*	۱											
۶. تاب آوری	۰/۷۸*	۰/۷۳*	۰/۷۹*	۰/۷۰*	۰/۶۵*	۱										
۷. ادراک عواطف	۰/۶۲*	۰/۵۶*	۰/۶۹*	۰/۳۶*	۰/۳۰*	۰/۵۹*	۱									
۸. مهار عواطف	۰/۳۸*	۰/۲۰*	۰/۲۰*	۰/۲۶*	۰/۲۳*	۰/۳۳*	۰/۳۵*	۱								
۹. مهارت‌های اجتماعی	۰/۳۲*	۰/۳۳*	۰/۱۸*	۰/۲۷*	۰/۰۷*	۰/۳۲*	۰/۴۴*	۰/۶۱*	۱							
۱۰. خوش بینی	۰/۶۱*	۰/۳۵*	۰/۴۴*	۰/۴۴*	۰/۳۵*	۰/۵۹*	۰/۵۳*	۰/۵۰*	۰/۴۳*	۱						
۱۱. هوش عاطفی	۰/۶۳*	۰/۴۶*	۰/۳۶*	۰/۴۳*	۰/۳۲*	۰/۶۰*	۰/۷۶*	۰/۷۷*	۰/۷۷*	۰/۸۰*	۱					
۱۲. گسترش خودآگاهی	۰/۲۲*	۰/۱۵۰۰۰۰	۰/۲۴*	۰/۲۱*	۰/۳۰*	۰/۲۹*	۰/۱۸*	۰/۰۱*	۰/۰۳*	۰/۲۳*	۰/۱۵***	۱				
۱۳. معنا سازی شخصی	۰/۵۵*	۰/۳۲*	۰/۳۸*	۰/۳۸*	۰/۲۲*	۰/۵۶*	۰/۴۹*	۰/۳۳*	۰/۳۱*	۰/۵۱*	۰/۵۳*	۰/۴۲*	۱			
۱۴. آگاهی متعالی	۰/۲۴*	۰/۱۷*	۰/۱۸*	۰/۱۸*	۰/۱۹*	۰/۲۶*	۰/۲۰*	۰/۰۹*	۰/۱۶***	۰/۲۰*	۰/۲۱*	۰/۴۶*	۰/۴۹*	۱		
۱۵. تفکر وجودی انتقادی	۰/۳۲*	۰/۳۵*	۰/۲۳*	۰/۲۷*	۰/۲۶*	۰/۳۹*	۰/۳۸*	۰/۲۰*	۰/۳۳*	۰/۲۶*	۰/۳۷*	۰/۵۲*	۰/۶۶*	۰/۶۲*	۱	
۱۶. هوش معنوی	۰/۲۰*	۰/۲۹*	۰/۳۲*	۰/۳۱*	۰/۳۷*	۰/۴۵*	۰/۳۶*	۰/۱۷**	۰/۲۲*	۰/۳۶*	۰/۳۶*	۰/۸۶*	۰/۷۶*	۰/۸۲*	۰/۸۱*	۱

*p= ۰/۰۰۱

**p= ۰/۰۰۲

***p= ۰/۰۰۳

***p= ۰/۰۰۴

برای بررسی امکان پیش بینی تاب‌آوری (و ابعاد آن) از طریق هوش عاطفی و هوش معنوی (و ابعاد آنها) از روش رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده گردید که نتایج آن‌ها در جداول ۴ تا ۹ آمده است. اما قبل از استفاده از رگرسیون، برای هر یک از مدل‌های رگرسیون ارائه شده در جداول ۴ تا ۹ پیش فرض‌های رگرسیون برای هر یک از تحلیل‌ها به تفصیل مورد آزمون قرار گرفت. از جمله این که برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین - واتسون؛ برای بررسی هم خطی چندگانه از شاخص‌های ضریب تحمل و عامل تورم واریانس؛ و برای بررسی نرمال بودن توزیع مانده‌ها نیز از سه روش رسم نمودار هیستوگرام، نمودار P-P، و آزمون غیرپارامتری کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. مقدار آزمون دوربین - واتسون در پیش بینی تاب‌آوری (و ابعاد آن) از روی نمرات کلی هوش عاطفی و هوش معنوی (و نیز از روی ابعاد آن‌ها) به طور کلی از ۱/۷۹ تا ۲/۰۹۴ بود که مطابق با پیرسون (۲۰۱۰) بیانگر استقلال خطاها بود. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نیز در همه‌ی موارد، بیانگر عدم معنی داری آزمون و در نتیجه، نرمال بودن توزیع بود. نمودار هیستوگرام نیز نشان داد که مقادیر مانده‌ها تقریباً دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف معیاری به طور متوسط برابر ۰/۹۹۷ هستند. در نمودار P-P نیز مشخص گردید که داده‌ها کاملاً از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند زیرا تمام نقاط نمودار روی نیمساز ربع اول قرار داشتند. برای بررسی مفروضه استقلال مانده‌ها از یکدیگر نیز از رسم نمودار سری زمانی استفاده گردید و مشخص شد که در این نمودار هیچ روند خاصی مشاهده نمی‌گردد. به طور کلی نتایج حاصله، وجود مفروضه‌های رگرسیون را مورد تأیید قرار دادند. شاخص‌های بیانگر مفروضه هم خطی چندگانه نیز در جدول ۴ و ۵ آورده شده است. بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۴ می‌توان گفت که شاخصه‌های هم خطی بودن نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش بین، هم خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اعتماد می‌باشد. نتایج همین جدول نشان می‌دهد مقدار آزمون F برای بررسی تأثیر هوش عاطفی و هوش معنوی بر تاب‌آوری برابر با ۱۲۹/۸۰ بوده که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. نگاهی بر R^2 نشان می‌دهد که ۴۳ درصد از واریانس تاب‌آوری توسط هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که هوش عاطفی ($B = ۰/۵۱$) و هوش معنوی

($\beta=0.27$) می‌توانند تاب‌آوری را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی کنند.

جدول ۴: نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی تاب آوری از طریق نمرة کلی هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	P	F	t	p<	شاخص‌های هم خطی چندگانه	
								شاخص تحمل	عامل تورم واریانس
فوش عاطفی	رشد آوری	۰/۴۳	۰/۶۵	۰/۰۰۱	۱۲۹/۸۰	۰/۵۱	۱۱/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۸۷
فوش معنوی		۰/۲۷	۶/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۸۷	۱/۱۵	۱/۱۵		

در جدول ۵ شاخصه‌های هم خطی بودن نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش بین، هم خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اعتماد می‌باشد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر شایستگی فردی برابر با $54/11$ بوده که در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 54 درصد از شایستگی فردی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شوند. همچنین گاهی به ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که فقط زیرمقیاس‌های درک عواطف ($B = 0/38$)، خوش بینی ($B = 0/30$) و معناسازی شخصی ($B = 0/25$) می‌توانند شایستگی فردی را به طور مثبت و معنی دار پیش بینی نمایند.

جدول 5. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد شایستگی فردی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش-بین	متغیر ملاک	r	p<	R ²	R	R ²	B	t	p<	شاخص‌های هم خطی جندگانه	
										شخص تحمل	عامل تورم واریانس
گسترش خودآگاهی معناسازی شخصی آگاهی متعالی تفکر وجودی انتقادی درک عواطف مهیار عواطف مهیارتهای اجتماعی خوش بینی		۵۰/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۰/۵۴		۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	NS	۰/۵۱۲	۱/۹۵۲
							۰/۲۵	۴/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۴۱۰	۲/۴۳۶
							۰/۰۳	۰/۶۱	NS	۰/۴۵۹	۲/۱۷۹
							-۰/۰۷	۱/۱۷	NS	۰/۳۹۹	۲/۵۰۹
							۰/۳۸	۷/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۶۰۲	۱/۶۶۲
							۰/۰۸	۱/۵۳	NS	۰/۵۵۲	۱/۸۴۷
							-۰/۰۸	۱/۶۵	NS	۰/۵۲۸	۱/۸۹۴
							۰/۳۰	۵/۹۴	۰/۰۰۱	۰/۵۲۸	۱/۸۹۳

جدول ۶. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد شایستگی اجتماعی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش

معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	B	T	p<
گسترش خودآگاهی	توانایی درک و کنترل عواطف خود و دیگران	۲۲/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۰/۳۴	-۰/۰۳	۰/۴۶	NS
معناسازی شخصی						-۰/۰۳	۰/۴۸	NS
آگاهی متعالی						-۰/۰۳	۰/۴۷	NS
تفکر وجودی انتقادی						۰/۲۰	۲/۹۲	۰/۰۰۴
درک عواطف						۰/۴۵	۷/۹۹	۰/۰۰۱
مهار عواطف						-۰/۰۹	۱/۴۷	NS
مهارتهای اجتماعی						۰/۱۰	۱/۶۰	NS
خوش بینی						۰/۰۹	۱/۴۶	NS

بر اساس جدول ۶ مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر شایستگی اجتماعی برابر با ۲۲/۷۰ بوده که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۳۵ درصد از واریانس شایستگی اجتماعی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس درک عواطف ($B = ۰/۴۵$) و تفکر انتقادی وجودی ($B = ۰/۲۰$) می‌تواند شایستگی اجتماعی را بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

بر اساس جدول ۷ مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر انسجام خانوادگی برابر با ۱۳/۳۴ بوده که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است.

جدول ۷. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد انسجام خانوادگی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	B	T	p<
گسترش خودآگاهی	توانایی درک و کنترل عواطف خود و دیگران	۱۳/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۱۲	۱/۸۷	NS
معناسازی شخصی						۰/۲۱	۲/۸۵	۰/۰۰۵
آگاهی متعالی						-۰/۰۵	۰/۶۹	NS
تفکر وجودی انتقادی						-۰/۰۳	۰/۴۳	NS
درک عواطف						-۰/۰۳	۰/۴۸	NS
کنترل عواطف						-۰/۰۲	۰/۲۹	NS
مهارتهای اجتماعی						-۰/۰۲	۰/۲۲	NS
خوش بینی						۰/۳۲	۴/۹۶	۰/۰۰۱

مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۲۴ درصد از واریانس انسجام خانوادگی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس خوش بینی ($B=0/32$) و معناسازی شخصی ($B=0/21$) می‌تواند انسجام خانوادگی را بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

بر اساس جدول ۸ مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر ارتباط با دوستان برابر با ۱۳/۸۴ بوده که در سطح $p<0/001$ معنی‌دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۲۴ درصد از واریانس ارتباط با دوستان توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس خوش بینی ($B=0/27$) و معناسازی شخصی ($B=0/15$) می‌تواند ارتباط با دوستان را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

جدول ۸. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش‌بینی بعد از ارتباط با دوستان از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R^2	F	p	B	t	p
گسترش خودآگاهی	ارتباط با دوستان	۱۳/۸۴	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۲۰۱	۰/۰۹	NS
معناسازی شخصی						۰/۱۵	۰/۰۴۸
آگاهی متعالی						-۰/۰۵	NS
تفکر وجودی انتقادی						۰/۰۳	۰/۷۴
درک عواطف						۰/۰۹	NS
کنترل عواطف						۰/۰۱	۱/۴۸
مهارت‌های اجتماعی						۰/۰۶	NS
خوش بینی						۰/۲۷	۰/۹۴
						۴/۲۳	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۹ مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر ساختار فردی برابر با ۱۵/۳۷ بوده که در سطح $p<0/001$ معنی‌دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از واریانس ساختار فردی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که زیرمقیاس معناسازی شخصی ($B=0/28$)، گسترش خودآگاهی ($B=0/22$)، کنترل عواطف ($B=0/18$) و درک عواطف ($B=0/12$) بطور مثبت و معنی‌دار و مهارت‌های اجتماعی ($B=-0/21$) به صورت منفی و معنی‌دار می‌توانند ساختار فردی را پیش‌بینی کنند.

جدول ۹. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد ساختار فردی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	t	p<
گسترش خودآگاهی	3 2 1 0 3 2 1 0	۱۵/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۲	۳/۴۰	۰/۰۰۱
معناسازی شخصی						۰/۲۸	۳/۹۲	۰/۰۰۱
آگاهی متعالی						-۰/۱۲	۱/۸۷	NS
تفکر وجودی انتقادی						-۰/۰۱	۰/۱۱	NS
درک عواطف						۰/۱۲	۲/۰۲	۰/۰۴۴
کنترل عواطف						۰/۱۸	۲/۸۰	۰/۰۰۵
مهارت‌های اجتماعی						-۰/۲۱	۳/۳۴	۰/۰۰۱
خوش بینی						۰/۱۲	۱/۸۶	NS

برای مقایسه نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای پژوهش، از روش آماری آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. مقایسه نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای تاب آوری، هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرها	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	p<
تاب آوری	دختر	۱۸۸	۱۶۶/۴۸	۲۰/۳۸	۱/۲۹	NS
	پسر	۱۶۶	۱۶۳/۶۷	۱۹/۸۷		
هوش عاطفی	دختر	۱۸۸	۱۴۶/۴۴	۲۱/۹۴	۰/۵۷	NS
	پسر	۱۶۶	۱۴۴/۹۶	۱۹/۹۲		
	پسر	۱۶۶	۱۲/۶۷	۲/۹۵		
هوش معنوی	دختر	۱۸۸	۵۳/۲۶	۱۲/۲۵	۲/۴۳	۰/۰۲
	پسر	۱۶۶	۵۰/۰۷	۱۲/۳۸		

همانطور که در جدول ۱۰ مشاهده می شود بین میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در نمره کلی هوش معنوی، تفاوت معنی داری وجود دارد، بدین صورت که میانگین نمرات دختران، بالاتر از میانگین نمرات پسران می باشد؛ اما بین میانگین نمرات دختران و پسران در متغیرهای تاب‌آوری و هوش عاطفی تفاوت معنی داری یافت نشد.

● بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف «تعیین رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب

آوری در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز» صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که «هوش عاطفی» با «تاب آوری» رابطه مثبت و معنی داری دارد. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ هوش عاطفی در سطح بالایی قرار دارند در شرایط دشوار، تاب آوری بیشتری نشان می‌دهند. این یافته با نتایج پژوهش‌های مک کاسکر (۲۰۰۹)، گارگ و راستوکی (۲۰۰۹) و جوکار (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. گارگ و راستوکی (۲۰۰۹) نیز نشان دادند دانش‌آموزانی که هوش عاطفی بالایی دارند می‌توانند نسبت به تنیدگی، تاب‌آور باشند که این امر موفقیت فردی و حرفه‌ای آنان را تعیین می‌کند. این افراد نگرش مثبتی به خود دارند و این امر موجب می‌شود تا موقعیت‌ها را خوش‌بینانه تفسیر کرده و راه حلی برای نقایص پیدا کنند. همچنین نتایج نشان داد که هوش معنوی با تاب‌آوری رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های رابرتسون (۲۰۰۸) و تورانلو، جمالی و میرغفوری (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

در پژوهش حاضر نتایج حاصل از بررسی ابعاد متغیرهای پژوهش نیز نشان داد که بعد خوش‌بینی (در هوش عاطفی) ابعاد شایستگی فردی، انسجام خانوادگی و ارتباط با دوستان را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ریویچ (۲۰۱۰)، بالدوین، جکسون، اوکر و کنون (۲۰۱۰)، لاتنس و یوسف (۲۰۰۷) و اسموک‌اوسکی (۲۰۰۰) همسو می‌باشد. خوش‌بینی جزء ضروری برای تاب‌آوری افراد محسوب می‌شود. توانایی تفکر خوش‌بینانه افراد را ترغیب می‌کند تا علی‌رغم مشکلات و شکست‌ها و مواجهه با شرایط ناگوار تلاش کنند. تفکر خوش‌بینانه به افراد انگیزه حرکت به جلو و پافشاری برای یافتن راه حل مناسب را می‌دهد. به عبارت دیگر خوش‌بینی یکی از عوامل محافظتی در افراد تاب‌آور، برای ارتباط موثر با والدین، معلمان، دوستان و همسالان می‌باشد (اسموک‌اوسکی، ۲۰۰۰).

○ بعد «درک عواطف» (در هوش عاطفی)، ابعاد شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و ساختار فردی را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های تامسون، لوئیس و کالکینز (۲۰۰۸) و چانگ، سنا و یانگ (۲۰۰۳) همسو می‌باشد.

○ بعد «معناسازی شخصی» (در هوش معنوی)، ابعاد شایستگی فردی، ارتباط با دوستان و ساختار فردی را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با

نتایج پژوهش‌های ناکاشیما و کاندا (۲۰۰۵)، اسمیت، تولی، مونتاگ، رایبسون، کاسپر و مولینز (۲۰۰۹)، پن، ونگ، چان و جوهرت (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. ناکاشیما و کاندا (۲۰۰۵) عنوان نمودند که یکی از عوامل تاثیر گذار در تاب آوری افراد، معنویت و ساختن یک روایت معنی دار از زندگی و مرگ (معناسازی شخصی) است. اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) عنوان نمودند داشتن معنا و هدف در زندگی برای سازگاری با شرایط دشوار و استرس زای زندگی، ضروری می‌باشد و در این میان، وجود افراد حمایت گر پیش بینی کننده مثبت و معنی دار انتخاب هدف و معنای شخصی توسط افراد می‌باشد. پن و همکاران (۲۰۰۸) عنوان نمودند داشتن معنا و هدف در زندگی یکی از عوامل محافظتی شناخته شده در تاب آوری افراد است. به عبارت دیگر، افرادی که قادر به شناسایی نظم، انسجام و هدف در زندگی خود هستند و همچنین توانایی پیگیری و دست یابی به اهداف خود را دارند، تاب آوری بیشتری در شرایط دشوار زندگی، از خود نشان می‌دهند.

○ بعد «تفکر وجودی انتقادی» (در هوش معنوی) نیز در این پژوهش، پیش بینی کننده مثبت و معنی دار شایستگی فردی می‌باشد. بعد تفکر وجودی انتقادی به توانایی فرد در تفکر به موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی یا ماورایی می‌پردازد. بر این اساس، فرد می‌تواند یک معنای شخصی از هر یک از موضوعات عنوان شده، برای خود بسازد. تن دام و ولمن (۲۰۰۴) عنوان نمودند توانایی تفکر نقادانه، جنبه مهمی برای کسب کفایت و شایستگی در افراد محسوب می‌شود.

○ دیگر یافته پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد گسترش خودآگاهی، مهارت‌های اجتماعی و کنترل عواطف، پیش بینی کننده مثبت و معنی دار ساختار فردی هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های راجرز، کوآتر، فلیس و گاردنر (۲۰۰۶)، وینیک و اریکسون (۱۹۹۴) و دان و مک گریر (۱۹۹۲) همسو است. وینیک و اریکسون (۱۹۹۴) و دان و مک گریر (۱۹۹۲) در دو تحقیق جداگانه نشان دادند که مهارت‌های اجتماعی بالا، تاب آوری افراد را در مقابل شرایط ناگوار و دشوار و مشکلات رفتاری بالا می‌برد.

○ در خصوص مقایسه بین میانگین دختران و پسران در متغیر تاب آوری نتایج حاکی از عدم معنی داری بین میانگین دختران و پسران بود. این یافته با نتایج

پژوهش‌هایی از قبیل هنلی، (۲۰۱۰) و هارتمن، ترنر، دیگل، اگزام و کولن، (۲۰۰۹) همسو بود. هنلی (۲۰۱۰) بین سطح تاب آوری دختران و پسران تفاوت معنی داری پیدا نکرد؛ اما عنوان نمود که دختران و پسران از راهبردهای متفاوتی برای تاب آوری خود استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه گروه نمونه متشکل از دانشجویان کارشناسی ارشد بود، به نظر می‌رسد افزایش سن و تجربیات فرد، با سطح تاب‌آوری افراد رابطه مثبت و مستقیمی داشته باشد که این امر موجب کاهش تفاوت‌های جنسی بین دو گروه دختران و پسران می‌شود. در خصوص مقایسه بین میانگین دختران و پسران در متغیر هوش عاطفی نیز نتایج تفاوت معنی‌داری بین میانگین دختران و پسران نشان نداد. این یافته‌ها همسو با نتایج یافته‌های گورل، اوزرکان و یالکین، (۲۰۱۰)؛ پریمیوزیک، بنت و فارنهام، (۲۰۰۷) بود. پریمیوزیک و دیگران (۲۰۰۷) اگرچه بین میانگین نمرات دختران و پسران در هوش عاطفی تفاوت معنی داری پیدا نکردند، اما نشان دادند که هوش عاطفی با افزایش سن افزایش می‌یابد. همچنین در نمره کل هوش معنوی تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات دختران و پسران مشاهده شد، به طوری که میانگین نمرات دختران بیشتر از پسران بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پرز، لیتل و هنریچ (۲۰۰۹)، بوگ، کتزبرگر و آلسون (۲۰۰۴) همسو بود.

○ یافته‌های پژوهش حاضر، اطلاعات مهمی برای خود فرد، خانواده‌ها، دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و مراکز مشاوره فراهم می‌آورد: افراد می‌توانند با آگاهی از نحوه ارتباط موثر با دیگران، مهارت‌های اجتماعی را در خود پرورش و ارتقاء دهند. افراد دارای مهارت‌های اجتماعی بالا، از منابع حمایتی زیادی در اطراف خود برخوردارند؛ لذا با اطلاع از اینکه منابع حمایتی (مانند خانواده، دوستان، افراد مورد اعتماد) یکی از عوامل تاثیرگذار در ارتقاء تاب‌آوری هستند، در مواقع رویارویی با سختی‌ها و تنش‌های زندگی با کمک گرفتن از این منابع، پیامدهای منفی کمتری را تجربه می‌کنند و قادر به یافتن راه حل موثر برای مشکلات‌شان می‌شوند. خانواده‌ها می‌توانند از نحوه برقراری و گسترش تعاملات مثبت و سازنده در ارتباط با فرزندان خود برای ایجاد و افزایش هوش عاطفی آگاهی یابند. بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی، رفتارهای الگو تاثیر مهمی در یادگیری افراد دارد. والدین می‌توانند با الگو بودن در زمینه‌های درک عواطف، خوش‌بینی، داشتن روابط اجتماعی بالا، موجب ارتقاء

هوش عاطفی در فرزندان خود شوند. اساتید می‌توانند با ارائه دروس به روش‌های گوناگون از قبیل روشهای مشارکتی موجب ارتقاء همکاری بین دانشجویان شوند که این امر موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی آنان و همچنین افزایش توانایی درک عواطف و احساسات دیگران که از مؤلفه‌های هوش عاطفی هستند، می‌گردد. برنامه ریزان درسی می‌توانند در دروسی مانند بینش و دین و زندگی، با گنجاندن مطالبی که موجب تعمق فرد در مورد ابعاد متعالی و ماورایی خود، دیگران و جهان می‌شود و همچنین به تفکر واداشتن در زمینه‌هایی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت در دانش‌آموزان و دانشجویان به پرورش و رشد هوش معنوی در آنان کمک نمایند. روانشناسان و مشاورین می‌توانند با آموزش فنون موثر ارتباط و مقابله‌ای موثر در جهت رشد مهارت‌های اجتماعی و تاب‌آوری افراد گام بردارند.



یادداشت‌ها

- | | |
|--|-----------------------------------|
| 1- resilience | 2- personality attributes |
| 2- family factors | 4- social support |
| 5- variable based approach | 6- individual base approach |
| 7- emotional intelligence(EQ) | 8- spiritual intelligence (SQ) |
| 9- contemplative | 10- critical existential thinking |
| 11- personal meaning production | 12- transcendent awareness |
| 13- conscious state expansion | 14- Resilience Scale for Adults |
| 15- Emotional Intelligence Questionnaire | |
| 16- Spiritual Intelligence Scale | |

منابع

- اتکینسون، ریتا ل. و دیگران (۱۳۸۳). زمینه روانشناسی هیلگارد، مترجمان: محمد نقی براهنی و دیگران، ویرایش دوم، تهران: رشد.
- تورانلو، حسین، جمالی، رضا، میر غفوری، سید حبیب اله (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره یازدهم، ۱۴۵-۱۷۲.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی، روانشناسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲، ۱۲-۳.
- حسین چاری، مسعود، ذاکری، حمیدرضا (۱۳۸۹). تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی؛ کوششی در راستای رواسازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱، ۷۱-۹۲.
- سیمایی، شکوفه (۱۳۸۸). دل‌بستگی به خدا و هوش عاطفی: نقش آنها در پیش‌بینی سلامت

- روانی و رضایت از زندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- فتحی، علی (۱۳۸۹). دختران معنوی، معنویت دخترانه. بازنگری شده در سایت:
<http://4ghad.com/New/Article.php?SubjectID=67&ID=1961>
- یوسفی، فریده (۱۳۸۲). الگوی علی هوش عاطفی رشد شناختی، تنظیم شناختی عواطف و سلامت عمومی. پایان نامه دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- Amram, Y., & Dryer, C. (2007). *The development and preliminary validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. Retrieved at: <http://www.geocities.com/isisfindings>.
- Baldwin, D. R., Jackson, D., Okoh, I., & Cannon, R. L. (2010). Resiliency and optimism: An African American senior citizen's perspective. *Journal of Black Psychology*. Retrieved at: published online at <http://jbp.sagepub.com/content/early/2010/03/10/0095798410364394>.
- Bar-On, R. (2005). The Bar-On model of Emotional-Social Intelligence (ESI). Consortium for research on emotional intelligence in organizations - *Issues in Emotional Intelligence*.
- Chamratrithirong, A., Miller, B. A., Byrnes, H. F., Rhucharoenpornpanich, O., Cupp, P. K., Rosati, M. J., Fongkaew, W., Atwood, K. A., & Chookhare, W. (2010). Spirituality within the family and the prevention of health risk behavior among adolescents in Bangkok, Thailand. *Social Science and Medicine*, 71, 1855-1863.
- Chang, E. C., Sanna, L. J. & Yang, K. M. (2003). Optimism, pessimism, affectivity, and psychological adjustment in US and Korea. *Personality and Individual Differences*, 34 (7), 1195-1208.
- Dunn, J., & McGuire, S. (1992). Sibling and peer relationships in childhood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 33, 67-105.
- Edwards, A. C. (2003). Response to the spiritual intelligence debate: Are some conceptual distinctions needed here? *The International Journal for the Psychology of Religion*, 13(1), 49-52.
- Emmons, R. (2000). Spirituality and intelligence: Problems and prospects. *International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (1), 57-64.
- Garg, P., & Rastogi, R. (2009). Emotional intelligence and stress resiliency: A relationship study. *International Journal of Educational Administration*, 1(1), 1-16.
- Gurol, A., Ozercan, M. G., & Yalcin, M. (2010). A comparative analysis of pre-service teachers' perceptions of self efficacy and emotional intelligence. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3246-3251.
- Hartman, J. L., Turner, M. G., Daigle, L. E., Exum, M. L. & Cullen, F. T. (2009). Exploring the gender differences in protective factors: Implications for understanding resiliency. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 53 (3), 249.
- Henley, R. (2010). Resilience enhancing psychosocial programs for youth in different cultural

- contexts: Evaluation and research. *Progress in Development Studies*, 10 (4), 295–307.
- Jowkar, B., Friborg, O., & Hjemdal, O. (2010). Cross-cultural validation of the Resilience Scale for Adults (RAS) in Iran. *Scandinavian Journal of Psychology*, 51, 418–425.
- King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science, Peterborough, Ontario, Canada.
- Luthans, F. & Youssef, C. M. (2007). Emerging positive organizational Behavior. *Journal of Management*, 33, 321. Retrieved from: <http://jom.sagepub.com/content/33/3/321>.
- Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology*, 60, 541–572.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71, 543–56.
- MacHovec, F. (2002). *Spiritual intelligence, the behavioral sciences, and the humanities*. Lewiston, NY: Edwin Mellen Press.
- Maselko, J. & Kubzansky, L. D. (2006). Gender differences in religious practices, spiritual experiences and health: Results from the US General Social Survey. *Social Science and Medicine*, 62, 2848–2860.
- Masten, A. S., & Reed, M. G. J. (2002). *Resilience in development*. *Handbook of positive psychology*, New York: Oxford University Press.
- McCusker, M. (2009). *Supporting resilient teachers: Resiliency and dynamic leadership in special education teacher retention*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Education, Arizona State University.
- Nakashima, M., & Canda, E. R. (2005). Positive dying and resiliency in later life: A qualitative study. *Journal of Aging Studies*, 19, 109–25.
- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Doctoral Dissertation, University of South Australia: Australia.
- Pan, J. y., Wong, D. F. K., Chan, C. L. W., & Joubert, L. (2008). Meaning of life as a protective factor of positive affect in acculturation: A resilience framework and a cross-cultural comparison. *International Journal of Intercultural Relations*, 32, 505–514.
- Pearson, R. W. (2010). *Statistical persuasion*. SAGE Publication.
- Perez, J. E., Little, T. D. & Henrich, C. C. (2009). Spirituality and depressive symptoms in a school-based sample of adolescents: A longitudinal examination of mediated and moderated effects. *Journal of Adolescent Health*, 44, 380–386.
- Petrides, K. V. & Furnham, A. (2001). Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies. *European Journal of Personality*, 15, 425–448.

- Poage, E. D, Ketzenberger, K. E. & Olson, J. (2004). Spirituality, contentment, and stress in recovering alcoholics. *Addictive Behaviors*, 29 (9), 1857-1862.
- Premuzic, T. C, Bennett, E., & Furnham, A. (2007). The happy personality: Mediatonal role of trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 42, 1633-1639.
- Reivich, K. (2010). Optimism: A key ingredient to happiness. *Communique, the newspaper of the National Association of School Psychologists*, 38 (7), 10-12. Retrieved at: <http://periodicals.fags.org>.
- Robertson , J. (2008). *Spirituality among public school principals and its relationship to job satisfaction and resiliency*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Education In Educational Leadership, Union University.
- Rogers, P., Qualter, P., Phelps, G. & Gardner., K. J. (2006). Belief in the paranormal, coping and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 41, 1089-1105.
- Rutter, M. (1999). Resilience concepts and findings: Implications for family therapy. *Journal of Family Therapy*, 21(2), 119-144.
- Sandel, J. K. (2007). *The effects of trauma exposure emotional intelligence and positive emotion on resilience*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Philosophy in psychology.
- Smith, B. W., Tooley, E. M., Montague, E. Q., Robinson, A. E., Cosper, C. J., & Mullins, P. G. (2009). The role of resilience and purpose in life in habituation to heat and cold pain. *The Journal of Pain*, 10 (5), 493-500.
- Smokowski, P. R. (2000). Resilience and protective factors in adolescence: An autobiographical perspective from disadvantaged youth. *Journal of School Psychology*, 37 (4), 425-448.
- Ten Dam, G., & Volman, M. (2003). A life jacket or an art of living. Inequality in social competence education. *Curriculum Inquiry*, 33, 117-137.
- Ten Dam, G., & Volman, M. (2004). Critical thinking as a citizenship competence: Teaching strategies. *Learning and Instruction*, 14, 359-379.
- Thompson, R. A., Lewis, M. D., & Caulkins, S. D. (2008). Reassessing emotion regulation. *Child Development Perspectives*, 2, 124-131.
- Valentine, L., & Feinauer, L. L. (1993). Resilience factors associated with female survivors of childhood sexual abuse. *The American Journal of Family Therapy*, 21, 216-224.
- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42 (2), 16-33.
- Vinnick, L. A., & Erickson, M. T. (1994). Social skill in third and sixth grade children: A moderator of lifetime stressful life events and behavior problems? *Journal of Child and Family Studies*, 3 (3), 263-282.
- Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New

York: Harmony.

Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *Connecting with our spiritual intelligence*. New York: Bloomsbury. Retrieved from: medind.nic.in/jak/t06/i1/jakt06i1p227.pdf.



• ادامه گزارش و خبر

برگزاری کارگاه درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی

کارگاه آموزشی درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی در تاریخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۱ برگزار شد. در این کارگاه تخصصی بازآموزی روانشناسان و مشاوران معاونت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سپاه شرکت کنندگان با شیوه درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی آشنا شدند.

کارگاه آموزشی آشنایی با آزمون وکسلر ۴

کارگاه آموزشی، آشنایی، شیوه اجرا، نمره گذاری و تفسیر نمرات آزمون وکسلر ۴ در تاریخ ۹۱/۷/۲۰ توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی برگزار گردید.

کارگاه آموزشی درمان اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)

کارگاه آموزش درمان اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) در تاریخ ۹۱/۷/۲۷ توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی برای روانشناسان و مشاوران مرکز خدمات روانشناسی و مشاوره شهید محلاتی برگزار گردید.

